Religion and Health

ORIGINAL ARTICLE

2022, Vol: 10, No: 2, Pages: 66-77.

A Look at the Wisdom of Illness in Humans from the Point of View of Some Hadiths

Saideh Musavi[1], Rasul Mohammadjafari[1*]

1- Masters Student of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Human Sciences, Shahed University, Tehran, Iran
2- Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Human Sciences, Shahed University, Tehran, Iran

***Corresponding Author:**
Rasul Mohammadjafari
Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Human Sciences, Shahed University, Tehran, Iran

Email: r.mjafari@shahed.ac.ir

Received: 23 May 2022
Revised: 10 Jan 2023
Accepted: 17 Jan 2023

Abstract

Nature is the world of material, movement, and contradiction. The nature of such a world is accompanied by health and illness. From the superficial view, disease only carries evil and destruction; however, from the monotheistic worldview, there is no absolute evil in existence, and in every apparently unpleasant matter, some wisdom and benefits are hidden, and disease is no exception. In the traditions of the holy innocents (pbuth), the wisdom of illness has been discussed. Examining all traditions requires several studies; this research was based on a descriptive and analytical method in order to briefly examine the wisdom of illness in humans from the perspective of some hadiths. The findings of the research indicated that, firstly, the patient's suffering and helplessness caused his soul to be refined. Secondly, in the high stages of faith, illness causes the servant to be close to God. Thirdly, God's precise system is based on punishment and reward; among other wisdoms of disease is punishment of criminals and rewards to believers. Fourthly, sometimes disease causes death. This wisdom of disease is in line with divine laws and traditions governing the material world. Fifthly, illness includes divine forgiveness. In his prayer, Imam Sajjad (a.s.) praises God for the illness that involves God's forgiveness. Sixth, illness causes the heart of a sinful servant to pay attention to God and makes it possible for faith to pass from the tongue to the heart.

Keywords: Forgiveness of sins, Reward, Discipline, Wisdom of illness, Traditions

▶ **Citation:** Musavi S, Mohammadjafari R. A Look at the Wisdom of Illness in Humans from the Point of View of Some Hadiths. Religion and Health, Autumn & Winter 2022; 10(2): 66-77 (Persian).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

دین و سلامت
مقاله پژوهشی اصیل
دوره ۱۰، شماره ۲، سال ۱۴۰۱ صفحه: ۷۷-۶۶.

نگاهی به حکمت‌های بیماری در انسان از دیدگاه برخی احادیث

سعیده موسوی[۱]، رسول محمدجعفری[۲*]

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران
۲- دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

* **مؤلف مسئول:**
رسول محمدجعفری
گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

Email: r.mjafari@shahed.ac.ir

دریافت: ۰۲ خرداد ۱۴۰۱
اصلاحات: ۲۰ دی ۱۴۰۱
پذیرش: ۲۷ دی ۱۴۰۱

چکیده

جهان طبیعت، عالم ماده و حرکت و تضاد است. ماهیت چنین عالمی، ملازمت سلامتی و بیماری است. در نگاه سطحی و ظاهری، بیماری تنها شرّ و تباهی با خود دارد، اما در جهان‌بینی توحیدی، هیچ شرّ مطلقی در هستی وجود ندارد و در هر امر به‌ظاهر ناخوشایندی، حکمت‌ها و فوایدی نهفته است و بیماری نیز از این قاعده مستثنا نیست. در روایات معصومان (ع)، به حکمت‌های بیماری پرداخته شده است. بررسی همه روایات، چندین پژوهش نیاز دارد؛ این پژوهش، با روش توصیفی تحلیلی، درصدد بررسی اجمالی حکمت‌های بیماری در انسان از دیدگاه برخی احادیث است. یافته های پژوهش حکایت از آن دارد که اول، رنجوری و درماندگی بیمار سبب پالایش نفس او می‌شود؛ دوم، در مراحل عالی ایمان، بیماری موجب نزدیکی بنده به خداوند می‌شود؛ سوم، نظام دقیق الهی بر کیفر و پاداش مبتنی است و از دیگر حکمت‌های بیماری، کیفر تبهکاران و پاداش به مؤمنان است؛ چهارم، گاهی بیماری سبب‌ساز مرگ است. این حکمت بیماری، همسو با قوانین و سنت‌های الهی حاکم بر عالم ماده است. پنجم، بیماری آمرزش الهی را دربر دارد. امام سجاد (ع) در نیایش خود، خداوند را به وساطت بیماری‌ای ستایش می کند که آمرزش الهی را دربر دارد؛ و ششم، بیماری سبب توجه قلبی بنده گناهکار به خداوند است و این امکان را فراهم می کند که ایمان از زبان به درون قلب وارد شود.

واژه‌های کلیدی: آمرزش گناهان، پاداش، تأدیب، حکمت‌های بیماری، روایات.

◄ **استناد:** موسوی، سعیده؛ محمد جعفری، رسول. نگاهی به حکمت‌های بیماری در انسان از دیدگاه برخی احادیث. دین و سلامت، پاییز و زمستان ۱۴۰۱؛ ۱۰(۲): ۷۷-۶۶ (فارسی).

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

مقدمه

بیان مسئله و پرسش اصلی تحقیق

عالمی که انسان‌ها در آن تولد، رشد و وفات دارند و روح الهی در کالبد جسمانی قرار گرفته است، عالم ماده و حرکت و تضاد است. ماهیت چنین عالمی، وجود حیات و ممات، هدایت و گمراهی، خیر و شر و سلامتی و بیماری است؛ اموری که انسان‌ها موظف به توانمند ساختن خود در مواجهه منطقی و معقول با آن‌ها هستند. بی‌گمان بهترین شیوه‌نامه تعامل صحیح با اضداد این عالم، در تعالیم وحیانی پیامبران و اوصیای آنان قرار گرفته است. از مهم‌ترین چالش‌های بشری در عالم دنیا، بیماری است. اگرچه اولین وظیفه و اقدام بیمار، تلاش برای درمان و بهبودی است، با این وجود، نگرش صحیح به آن، موجب کاهش دردهای ناشی از بیماری و افزایش قدرت تحمل بیماری خواهد بود؛ زیرا در جهان‌بینی توحیدی، همه حوادث عالم از حکمت و مصلحت خداوندی نشئت می‌گیرد و بیماری نیز از این امر جدا نیست.

باور به قدرت خداوند به انسان توان تحمل می‌دهد. در این حالت است که نیازهای روحی تأمین می‌شود، فضیلت‌های اخلاقی تبلور می‌یابد و انسان توان آن را می‌یابد که از جسم خود دور شود و درد را احساس نکند، یا آن‌چنان آرامشی یابد که تنش را تجربه نکند (۱). بنابراین، بهره‌مندی از بینش صحیح، در آرام‌بخشی به دردها و بیماری‌ها مؤثر است و از سوی دیگر، نظم و حکمت دقیق الهی در بیماری را آشکارتر می‌سازد. آموزه‌های برجای‌مانده از اهل بیت (ع) -که از آن‌ها با عنوان روایات یاد می‌شود- آکنده از مطالبی است که به حکمت‌های بیماری پرداخته شده است و بررسی همه آن‌ها، به پژوهش‌های متعددی نیاز دارد. هدف این پژوهش، نگاهی به حکمت‌های بیماری در انسان‌ها از دیدگاه برخی احادیث است.

پیشینه پژوهش

در موضوع حاضر، پژوهش‌های مشابهی نگاشته شده است. فرنام و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل آثار و پیامدهای معنوی، روانی، جسمانی و اجتماعی گناه بر سلامت جسم و روح از منظر قرآن و روایات»، پیامدهای معنوی گناه را سقوط در پرتگاه گمراهی و غفلت از یاد خدا و پیامدهای روانی آن را کینه و حسادت، درد و رنج، سوءظن و آشکارشدن عیوب عنوان کرده‌اند. همچنین، آن‌ها پیامدهای جسمانی گناه را اضطراب، شهوت‌پرستی، کوتاهی عمر و هلاکت انسان و پیامدهای اجتماعی آن را برهم‌خوردن تعادل جامعه، ایجاد اختلافات طبقاتی، پیدایش فقر و قحطی، پیدایش دشمنی و کینه بین اشخاص و درنتیجه، بزهکاری در جامعه بیان کرده‌اند (۲).

جعفر طیاری (۱۳۹۴) در مقاله «گناه، بیماری و پیامدهای تربیتی آن از منظر قرآن و حدیث»، گناه را بیماری روحی و روانی بیان کرده‌اند که پیامدهای منفی زیادی دارد؛ نظیر خواری و پستی نفس، عذاب روحی، شک و اضطراب، اندوه، فقر روحی، دورویی و ناامیدی. همچنین، در این تحقیق آمده است که آثار سوء بیماری گناه از موانع بزرگ فرایند تهذیب و تربیت انسان، ویران‌ساز سلامت قلب و بازدارنده سعادت انسان است (۳).

در این تحقیقات، درباره آثار ارتکاب گناه و پیامدهای منفی آن بحث شده است، اما در تحقیق حاضر، موضوع بحث «بیماری» است و به آثار سازنده بیماری در زندگی انسان‌ها پرداخته شده است.

محسن‌زاده لداری و حسینی طبق‌دهی (۱۳۹۵) در مقاله «تأثیر قرآن در درمان بیماری‌ها، مرور بر مطالعات»، در زمینه تأثیر قرآن در درمان بیماری‌ها در ایران بحث کرده‌اند. نویسندگان با مراجعه به قرآن و با استفاده از مقالات معتبر علمی و جست‌وجو در بانک‌های اطلاعاتی، به این نتیجه رسیدند که قرآن بر تقویت حافظه، افزایش سلامت روحی و روانی، کاهش پرخاشگری، اضطراب و افسردگی، درمان اختلالات روانی و خواب، بهبود علائم حیاتی، کاهش درد، افزایش خوش‌بینی و امید به زندگی، کمک به بیماران در مواجهه با مشکلات، ایجاد آرامش بیشتر و پایدار از طریق تغییر الگوی امواج مغزی مؤثر است (۴). روشن است که در این مقاله، تنها از قرآن در درمان

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

بیماری‌ها سخن رفته و درباره حکمت بیماری‌ها که موضوع این پژوهش است، بحث نشده است.

یکتایی (۱۳۹۰) در مقاله «لذت بیماری در پرتو حکمت بیماری از منظر صحیفه سجادیه»، با هدف بررسی بینش و نگرش امام سجاد (ع) نسبت به بیماری، به این نتیجه دست یافت که هر انسانی می‌تواند به لذت بیماری در پرتو حکمت بیماری نائل آید و به سلامتی و آرامش درونی برسد. البته این قاعده و قانون درباره بیماری‌های جسمی است و بررسی نحوه برخورد با بیماری‌های روحی به پژوهش دیگری نیاز دارد (۵). یافته‌ها و مواد این پژوهش محدود است؛ زیرا تنها درباره یک بُعد از حکمت بیماری و صرفاً با استفاده از صحیفه سجادیه بحث کرده است.

ضرورت و اهمیت پژوهش

دوران بیماری، روزگار دردمندی و ناله است. بسیاری از بیماری‌ها و بیماران بهبود نمی‌یابند و خود را در آستانه مرگ می‌بینند. در مواجهه با پدیده‌هایی چون مرگ و پایان زندگی، که احساسات و نگرش‌هایی غیرمادی هستند و از سنخ فاکتورهای بیوشیمیایی نیستند که بتوان برای آن‌ها قرص، کپسول و آمپول تجویز کرد، نوع نگرش بیمار می‌تواند درد و بیماری را دوچندان کند یا قابل تحمل سازد و در روند بهبود سرعت ایجاد کند (۶).

در جهان‌بینی توحیدی، همه حوادث عالم مستقیم و غیرمستقیم، به خداوند متعال مستند می‌شود و هرچه که آفریدگار برای انسان‌ها مقدر کرده است، از حکمت و مصلحت الهی نشئت می‌گیرد. اتفاقات ناخوشایندی چون بیماری‌ها، گذشته از آنکه بر محور قانون علیت، پدیدار شدن آن‌ها اجتناب‌ناپذیر است، در عین حال، آکنده از مزایایی است که آگاهی از آن‌ها موجب کاهش دردها و رنج‌های برآمده از بیماری خواهد شد. بر این اساس، ضروری به نظر می‌رسد که پژوهش‌هایی انجام شود تا با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، جهان‌بینی و نگرش صحیح بیمار در مواجهه با بیماری تبیین شود. پژوهش حاضر گامی اندک در راستای پیشبرد این هدف است.

مواد و روش‌ها

مواد و داده‌هایی که در تحقیق به‌کار برده می‌شوند، ممکن است اولیه یا ثانویه باشند. داده‌های اولیه را محقق به صورت دسته اول و بیشتر از طریق مشاهده، پرسش‌نامه و مصاحبه به‌دست می‌آورد. داده‌های ثانویه از منابع دیگر و به شکل‌های گوناگون به‌دست می‌آید. این داده‌ها پیش از آنکه پژوهشگر، تحقیق را آغاز کند، تولید شده و موجود است (۷). این پژوهش با جمع‌آوری اطلاعات از طریق داده‌های ثانویه، به‌صورت مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. روش کتابخانه‌ای در تمام تحقیقات علمی استفاده می‌شود، ولی در بعضی از پژوهش‌ها، در بخشی از فرایند تحقیق، از این روش استفاده می‌شود و در بعضی از پژوهش‌ها، موضوع تحقیق از حیث روش، کتابخانه‌ای است و از آغاز تا انتها، به یافته‌های کتابخانه‌ای متکی است (۸).

تحقیقات علمی بر اساس ماهیت و روش (تاریخی، توصیفی، همبستگی، تجربی، علی) تقسیم‌بندی می‌شوند. تحقیق توصیفی شامل روش‌هایی است که برای توصیف نظام‌مند موقعیت یا مبحث مورد علاقه به‌صورت دقیق استفاده می‌شود (۹). پژوهش توصیفی، به‌معنای اخص آن، الزاماً در پی کشف و توضیح روابط، همبستگی‌ها و احتمالاً آزمودن فرضیه‌ها و پیش‌بینی رویدادها نیست، بلکه توجه بیشتر به توصیف و گزارش‌نویسی موقعیت‌ها و وقایع بر اساس اطلاعاتی است که صرفاً جنبه توصیفی دارند (۱۰). تحقیقات توصیفی به دو نوع تحقیق توصیفی محض و تحقیق توصیفی-تحلیلی تقسیم می‌شوند که در تحقیق توصیفی-تحلیلی، محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی وضعیت مسئله می‌پردازد (۱۱).

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، از نوع تحلیل مفهومی و تحلیل اسناد انجام شده است. با استفاده از روش مذکور، روایات معصومان (ع) مرتبط با حکمت‌های بیماری در انسان، از دانشنامه احادیث پزشکی (محمد محمدی ری‌شهری) جمع‌آوری شد. سپس، با توجه به اهداف تحقیق، دسته‌بندی و روایات حکمت‌های بیماری در انسان تحلیل شد. بر اساس آنچه بیان شد، مراحل انجام پژوهش

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

حاضر به شرح ذیل بوده است: ۱. مطالعه چارچوب نظری تحقیق، ۲. بررسی و دسته‌بندی روایات مرتبط با حکمت‌های بیماری، ۳. تحلیل روایات، ۴. پاسخ به پرسش تحقیق، ۵. بحث و نتیجه‌گیری.

یافته‌ها

رأس رنج‌ها و دشواری‌های دنیوی، تنگدستی، ناامنی و بیماری است. بی‌گمان، ناامنی ناگوارترین گرفتاری است؛ اما در میان تنگدستی و بیماری، از نظر رتبی، ابتلای به دومی دشوارتر از اولی است. عقل بر این تفاوت گواه است و نقل نیز شاهد آن است؛ چنان‌که از امام علی (ع) نقل شده است: «ازجمله گرفتاری‌ها تهیدستی است. سخت‌تر از تهیدستی، بیماری تن است» (۱۲). همچنین فرموده است: «مصیبتی سخت‌تر از استمرار بیماری نیست».

در مواجهه با بلایا، روش زندگی پیشوایان دینی بر این حقیقت استوار بوده است که هیچ‌گاه از خداوند، رنجوری و دردمندی را نطلبیده‌اند، بلکه همواره تندرستی و عافیت را جسته و خواسته‌اند؛ چنان‌که امام سجاد (ع) در دعاهای خود، رهایی از آن را طلب کرده است: «خدایا، بر محمد و آل او درود فرست، و لباس عافیتت را بر من بپوشان، و همه وجودم را در عافیتت قرار ده، و مرا با عافیتت نگاه دار، و با عافیتت گرامی دار، و با عافیتت بی‌نیاز گردان» (۱۳).

بنابراین، طبق آموزه های دینی، اصل بر سلامتی است و در هیچ شرایطی -حتی برای تعالی ایمان- شایسته نیست انسان از خداوند بیماری بطلبد یا آن را بر سلامتی ترجیح دهد. با این وجود، تردیدی نیست که لازمه عالم ماده، وجود بیماری است و در کنار رنج‌هایی که برای آن است، منافع، مصالح و حکمت‌هایی دارد که در روایات معصومان (ع)، از آن‌ها سخن به میان آمده است. امام صادق (ع) فرموده است: «بیماری بر چند گونه است: بیماری آزمون، بیماری کیفر و بیماری‌ای که علت مرگ قرار داده شده است». امام صادق (ع)، در این سخن، سه حکمت برای بیماری ذکر کرده است و این هر سه، بر دانش طب ناشناخته است (۱۲). حکمت‌های ذکرشده در روایات، بر فوایدی مترتب هستند که گذاران دوران بیماری را برای بیمار سهل‌تر می‌کنند. منافعی که روایات بر آن تصریح دارند، شامل تأدیب، آمرزش گناهان، کرامت، پاداش و ثواب است.

آموزه‌های اسلامی که بنیاد حقیقی فرهنگ اسلامی را تشکیل می‌دهند، همواره گزاره‌هایی توصیفی و هنجاری در مواجهه با بیماری را ارائه کرده‌اند. این آموزه ها دانش درمان را به آثار مثبت آموزه های عرفانی در تعامل بیمار با بیماری از منظر معنوی و تربیتی و نیز آثار مثبت آن در تعالی معنوی و تسریع در بهبود جسمی و تسکین آلام بیمار توجه می دهند؛ از این رو، علاوه بر معرفی آثار معنویِ این نگرش، در بهبود بیماری و تسکین درد نیز آثار محسوسی دارند. به همین دلیل، لازم است این نگرش و مبانی، مؤلفه‌ها و آثار آن تحلیل شود (۶).

با بررسی روایات، می‌توان این حکمت‌ها را برای بیماری عنوان کرد: ۱. بازداشتگاه تن، ۲. تأدیب، ۳. نزدیکی به خدا، ۴. کیفر، ۵. عامل مرگ، ۶. آمرزش گناهان، ۷. یاد خدا و ۸. پاداش.

در ادامه، به تبیین تفصیلی هر یک از این عناوین پرداخته می‌شود.

بازداشتگاه تن

در روایتی، امام علی (ع) برای بیماری، تعبیر بازداشتگاه بدن را به‌کار برده‌اند (۱۲) و در روایتی دیگر، از بیماری به‌عنوان یکی از دو زندان یاد کرده‌اند (۱۲). وجه تشابه بیماری و زندان، آن است که وجود مجازاتی در قالب حبس و زندانی کردن مجرم به دو صورت موجب پیشگیری از وقوع جرم می‌شود؛ نخست، مجرم را از جامعه دور نگه می‌دارد و احتمال ارتکاب مجدد جرم را کاهش می‌دهد؛ دوم، زندان سبب می‌شود افراد پیش یا هنگام ارتکاب جرم، نسبت به عواقب آن حسابگری کنند و از ترس عواقب، از انجام آن عمل منصرف شوند (۱۴). همان‌گونه که زندان سبب دوری فرد از جامعه می‌شود و تا مدتی زمینه ارتکاب جرم برای فرد میسر نخواهد بود، بیماری نیز انسان را از زندگی روزمره جدا می‌کند و تا زمانی، امکان ارتکاب گناه را در او محدود می‌کند. همان‌طور که زندان، تنبیه

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

پیامدهای جرم را در انسان نشان می‌دهد و موجب تنبیه فرد می‌شود، بیمار نیز به‌واسطه رنجوری و درماندگی، پیامد گناهش را -در صورتی که ابتلا به بیماری ناشی از ارتکاب معصیت باشد- درک می‌کند و سبب تذکر و پالایش نفس او می‌شود.

تأدیب

بر اساس روایات، بیماری نقش بسزایی در اصلاح و تأدیب نفس دارد. از امام صادق (ع) نقل است که: «اگر هیچ درد و رنجی به انسان نمی‌رسید، چگونه زشتی‌ها دامن بر می‌کشید و انسان در برابر خداوند، فروتنی می‌کرد و با مردم، مهربانی می‌ورزید؟ آیا نمی‌بینی آن هنگام که دردی دامنگیر انسان می‌شود، فروتن می‌گردد، و سرِ تسلیم فرود می‌آورد و بر درگاه پروردگار خویش، عافیت می‌جوید و دست به صدقه می‌گشاید؟» (۱۲). همچنین امام (ع) در دعای خویش، آن هنگام که بیمار شده بود، فرمود: «خدایا، این را نه نشان غضب، بلکه مایه ادب قرار ده» (۱۲).

ابتلاهایی چون بیماری، گوهر واقعی فرد را آشکار می‌سازد و کسانی که شایستگی وصول به قرب به حق را دارند، بدین‌وسیله ارتقا می‌یابند و کسانی که قابلیت این قرب را ندارند، راه ضلالت خواهند پیمود (۱۵). از سوی دیگر، اصلاح برخی از رذائل اخلاقی و جلوگیری از ارتکاب آن‌ها، با موعظه و نصیحت محقق نمی‌شود و تنها در پرتو بلاهای ناخوشایندی چون بیماری، نفس تأدیب و اصلاح می‌شود. چنان‌که از پیامبر (ص) نقل شده است: «بیماری بدن را از گناهان پاک می‌گرداند، همان‌طور که کوره آهنگری، زنگار آهن را می‌زداید (۱۶)». از امام باقر (ع) وارد است که می‌فرماید: «تن اگر بیمار نشود، به سرمستی می‌گراید، و در آن تنی که به سرمستی گراییده، هیچ خیری نیست» (۱۲).

برخی بیماری‌ها عاملی برای بازگشت انسان به مسیر درست و بیداری از غفلت است. برای بازگشت و زدودن غفلت و زنده کردن یاد خداوند در دل‌های مرده، وجود حوادث غیرمنتظره مانند بیماری که با فراز و نشیب همراه است، بسیار سازنده و راهگشاست (۱۷). بر همین اساس است که درباره سیره اولیای الهی همچون حضرت موسی (ع) نقل شده است که ایشان از خداوند بیماری منجر به زمین گیر شدن و سلامتی منجر به غفلت را طلب نمی‌کرد، بلکه در پی میانه آن دو بود؛ یعنی درخواست می‌کرد گاه بیمار شود تا شکر خدا را به جای آورد و گاه تندرست باشد و خدا را سپاس گوید (۱۷).

نزدیکی به خدا

بیماری زمینه تأدیب را برای فرد فراهم می‌کند. این امر در مراتب نازل ایمان نمایان می‌شود. در مراحل عالی ایمان، پس از مؤدب شدن به ادب الهی، بیماری سبب نزدیکی بنده به خداوند می‌شود. در روایات آمده است: «بیماران، دوستان خدا هستند» (۱۲)، همچنین نقل شده است که «انسان در پیشگاه خداوند مرتبه‌ای دارد که با عمل خویش بدان نمی‌رسد، تا آن هنگام که به ابتلایی در جسم خود آزموده شود و بدین واسطه، به آن مرتبت برسد» (۱۲).

مصداقی از این حکمت بیماری را می‌توان ابتلای حضرت ایوب (ع) به بیماری عنوان کرد (ص: ۴۱). پیامبران الهی، عصمت دارند و ابتلای آنان به بیماری، تنها برای تقرب به خداوند است. این حکمت بیماری به پیامبران محدود نیست و دیگران را نیز دربر می‌گیرد. لذا، در روایات، به گروه خاصی از بندگان اختصاص نیافته است و معصومان (ع) فرموده‌اند: «بیماری، هدیه‌ای از جانب خداوند به بنده است، پس محبوب‌ترینِ بندگان نزد خداوند، کسی است که بیشترین هدیه به او رسیده باشد» (۱۲).

کیفر

در روایتی از امام صادق (ع)، «بیماری کیفر» ازجمله حکمت‌های بیماری یاد شده است (۱۲). در نظام حکیمانه هستی، بیماری برای کسانی که زمینه تربیتی را در نفس و روان خویش تباه نساخته‌اند، موجب زدودن غبارهای غفلت و فزونی آگاهی می‌شود و تطهیر آنان را در پی دارد، اما آنان که زنگارهای گناه چنان سراسر وجودشان را فراگرفته

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

است و بر هدایت و بیداری آنان هیچ امیدی نیست، بیماری برای آنان نوعی کیفر الهی به شمار می‌آید. دوگانه حکمت تطهیر و کیفر در روایت امام رضا (ع) به‌روشنی بیان شده است: «بیماری برای مؤمن، تطهیر و رحمت، و برای کافر، عذاب و لعنت است» (۱۲).

بیماری برای کافران و فاسقان گونه‌ای عقوبت دنیوی خواهد بود. در جهان‌بینی اسلامی، عذاب اخروی امتداد کیفر دنیوی است. لذا در آیات متعدد قرآنی، در کنار عذاب آخرت، از عذاب در دنیا (آل عمران: ۵۶؛ رعد: ۳۴؛ حشر: ۳)، زبونی در دنیا (بقره: ۸۵ و ۱۱۴؛ مائده ۳۳ و ۴۱؛ حج: ۹؛ فصلت: ۱۶) و نفرین در دنیا (نور: ۲۳) سخن رفته است. بیماری مصداقی از عذاب‌های دنیوی است که گاه به‌صورت جمعی، قومی تبهکار به آن مبتلا می‌شوند و گاه فرد تبهکار بدان گرفتار می‌آید. از امام باقر (ع) نقل است: «خداوند را کیفرهایی برای دل‌ها و پیکرها است» (۱۸). در روایتی دیگر، از امام علی (ع) آمده است: «خداوند سبحان پاداش را برای فرمانبری اش، و کیفر را برای نافرمانی اش قرار داد تا بدین‌وسیله، بندگانش را از خشم خود نگه دارد و آنان را به سوی بهشت خویش براند» (۱۹).

بنابراین، ازآنجاکه بی توجهی به دستورات الهی سبب دوری انسان از معنویت می‌شود، خداوند متعال سنت‌هایی را برای کیفر افراد قرار داده است تا با برقراری این نظام کیفری، تنبیه، تذکر و عبرت برای سرکشان و خطاکاران صورت گیرد. امام علی (ع) فرموده است: «ای مردم، خدا را در هر نعمتی حقی است؛ هرکه آن حق را بگذارد، خداوند بر نعمت او بیفزاید و هرکه از ادای آن حق فروگذاری کند، نعمت را در خطر زوال قرار داده و به فرا رسیدن کیفر شتاب داده است» (۲۰).

عامل مرگ

گاه در بیماری، نه حکمتی تربیتی نهفته است، و نه فلسفه‌ای کیفری وجود دارد، بلکه سبب‌ساز مرگ است. از دیدگاه احادیث اسلامی، هر دردی درمانی دارد، مگر مرگ که آن را هیچ درمانی نیست. در حدیثی نبوی آمده است: «خداوند، هیچ دردی –به‌جز مرگ– را فرو نفرستاده، مگر اینکه درمانی برایش فروفرستاده باشد» (۱۲). امام کاظم(ع) می‌فرماید: «مرگ آخرین دردی است که آن‌ها احساس خواهند کرد و کفاره آخرین خطا و گناهانشان خواهد بود» (۲۱).

دانش پزشکی به قله کمال دست نمی یابد، مگر آنگاه که برای همه بیماری ها، درمانی بیابد. با این وجود، هرگز نمی تواند برای مرگ، دارو و درمانی فراهم سازد. امام صادق (ع) در مناظره با مدّعی ای که می پنداشت –با مراقبت درست و اصولی از بدن و بهره‌گیری از غذاهای مناسب– می‌تواند مانع مرگ شود، بیان می‌کند که درمان بیماری ای که مرگ برای آن مقدّر است، امکان ندارد. ایشان سپس به تسلیم سه تن از طبیبان و حکیمان بزرگ در برابر مرگ، استدلال کرده است و می‌فرماید: «ارسطو که استاد طبیبان بود، افلاطون که سرآمد حکیمان بود و جالینوس که پیر و پرتجربه بود، نتوانستند مرگ را آن گاه که در آستانه آن‌ها فرود آمد، برانند، جملگی مُردند، درحالی‌که در حفظ خویش و در اندیشیدن به آنچه با بدن سازگار است، از هیچ کوششی فروگذار نکردند» (۱۲).

این حکمت بیماری، همسو با قوانین و سنت‌های الهی حاکم بر عالم ماده است. از مهم‌ترین پدیده‌های دنیا، مرگ جسم و مفارقت روح از آن و انتقال به عالم آخرت و بقا است. این پدیده با عوامل متعددی روی می‌دهد که یکی از آن‌ها، بیماری جسم است. البته در این نظام حکیمانه، بیماری در عین حال که وظیفه جابه‌جایی روح را از عالمی به عالم دیگر ایفا می‌کند، نقش تربیتی پویایی در بیدارگری غافلان و فراموشکاران مرگ بر عهده دارد. انسان با مشاهده و احساس بیماری، از خطاها روی برمی‌تابد و زندگی را در مسیر صلاح و فلاح قرار می‌دهد. شاهد این مدعا، مشاهدات و گزارش‌های فراوانی است که از اثر تحولی بیماری در سبک زندگی بیراهه روان حکایت دارند.

آمرزش گناهان

طبق آیات قرآن، چند عامل سبب آمرزش گناهان می‌شود؛ ازجمله: ۱. نیکی‌ها: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (هود: ۱۱۴)، ۲. توبه راستین: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحاً عَسى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئاتِكُم» (تحریم: ۸)، ۳. تقوا: «وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئاتِه» (طلاق: ۵)، ۴. ایمان و عمل صالح: «وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَ يَعْمَلْ صالِحاً يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئاتِه» (تغابن: ۹)، و ۵. قرض‌الحسنه: «إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً يُضاعِفْهُ لَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُم» (تغابن: ۱۷).

در روایات، بیماری از دیگر عوامل آمرزش گناهان یاد شده است. لذا، مطابق روایات، از دیگر حکمت‌های بیماری، نقش بخشایشگری آن است. پیامبر (ص) فرموده است: «بیماری، گناهان را محو می کند» (۱۲). در حدیث دیگری، حضرت می‌فرماید: «بنده چون بیمار شود، خداوند به فرشتگان خویش چنین وحی کند: ای فرشتگانم، من بنده ام را به بندی از بندهای خویش گرفتار ساخته ام. اینک اگر جانش را بستانم، او را می آمرزم و اگر او را عافیت بخشم، در حالی از بستر برمی خیزد که هیچ گناهی ندارد» (۱۲). در روایتی، پیامبر اکرم (ص) در عیادت از بیماری، به او مژده می‌دهد که اگر از بیماری خود جان سالم به در برد، از گناهانش نیز رسته است، همان‌طور که آهن هنگام ذوب شدن، از ناخالصی‌ها رها می‌شود (۱۲).

حکمت بخشایشگری بیماری چنان اهمیتی دارد که امام سجاد (ع) در نیایش خود، خداوند را به وساطت بیماری‌ای که آمرزش الهی را دربردارد، ستایش می‌کند و شکرگزاری خود را بر بیماری، همسان شکرگزاری بر تندرستی، عنوان می‌کند. آن حضرت در دعای ۱۵ صحیفه سجادیه، چنین مناجات کرده است: «خدایا، ستایش برای توست به‌خاطر آن تندرستی که همچنان از آن برخوردارم، و ستایش برای توست برای این بیماری که در تنم پدید آوردی. ای معبود من، نمی‌دانم کدام یک از این دو حالت به شکرگزاری سزاوارتر است؛ آیا هنگام تندرستی که روزی‌های پاکیزه خود را بر من گوارا ساختی و به فرمان‌برداری توفیق دادی، یا هنگام بیماری که من را به آن آزمودی تا بار سنگین گناه را بر پشتم سبک گردانی» (۱۳).

ذکر این نکته لازم است که هر بیماری‌ای، تاوان هر گناهی نیست. بر فرض، نمی‌توان انتظار داشت که با یک سرماخوردگی ساده، گناهان کبیره آمرزیده شود. باید به نسبت بیماری و نوع گناه توجه داشت. از امام علی (ع) نقل است: «اگر خداوند بنده‌ای را گرفتار بیماری سازد، به اندازه بیماریش، از گناهان او می‌کاهد» (۱۲).

یاد خدا

از دیگر حکمت‌های بیماری -که لطف و مرحمتی اختصاصی از جانب خداوند به بندگانش است-، زمینه‌سازی برای توجه به خداوند و یاد او در دل‌ها است. در آیات قرآن به این مهم اشاره شده است. در آیه ۹۴ سوره اعراف آمده است: «وَ ما أَرْسَلْنا فی قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلاَّ أَخَذْنا أَهْلَها بِالْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ» «و در هیچ شهری، پیامبری نفرستادیم مگر آنکه مردمش را به سختی و رنج دچار کردیم تا مگر به زاری درآیند». همچنین، آیه ۵۳ سوره نحل چنین فرموده است: «إِذا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْئَرُونَ» «چون آسیبی به شما رسد، به سوی او روی می آورید». بیماری یکی از مصادیق «بَأساء» (سختی) و «ضرّاء/ ضُرّ» (رنج/ آسیب) است که خداوند با ابتلای بندگان به آن، آنان را به ذکر الهی فراخوانده است.

پیامبر (ص) خطاب به سلمان، یکی از فواید بیماری را یاد خدای تبارک و تعالی بیان می‌دارد (۱۲). روشن است که هنگام بیماری، در فرد بیمار -بسته به میزان بیماری و درد و رنج ناشی از آن- حالت انقطاع شکل می‌گیرد؛ به‌ویژه آن هنگام که دارو و درمان طبیبان در بهبود بیمار مؤثر نیفتد. در این حالت، بیمار از انسان‌ها و اسباب مادی دل می‌بُرَد و یکسر یاد خدا را در دل مشتعل می‌سازد و توسل و تمسک بی‌پیرایه و پیوسته در وجود او برقرار می‌شود. شاید به همین سبب است که در روایات، بیماران، دوستان خداوند معرفی شده‌اند (۱۲).

ایمان محدود به زبان نیست. ایمان پیوند قلبی، اقرار به زبان و عمل با اعضا و جوارح است. ایمان بدون این‌ها محقق نمی‌شود (۲۰). در حقیقت، ایمان امری قلبی است که در وجود انسان جایگاه می‌یابد و اقرار به زبان و عمل با اعضا و جوارح به‌عنوان دلیل و علامت ایمان شمرده می‌شود. قرآن ایمان افرادی را که تنها با زبان می‌گفتند:

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

«ایمان آورده‌ایم»، رد می‌کند و آن را نشانه اسلام -و نه ایمان- می‌داند (حجرات: ۱۴). امام رضا (ع)، همسو با قرآن، فرموده‌اند که اسلام غیر از ایمان است و هر مؤمنی مسلمان است، ولی هر مسلمانی مؤمن نیست؛ زیرا مؤمن در حال ایمان، دزدی، سرقت و شرب خمر نمی‌کند (۱۸). بیماری سبب توجه و روی آوردن قلبی بنده گناهکار به خداوند است و این امکان را فراهم می‌کند که ایمان را از سطح زبان، به درون قلب وارد کند. بی‌شک، خواندن خداوند در حالت درماندگی و اضطرار، خالصانه و خاضعانه خواهد بود.

پاداش

نظام دقیق الهی بر کیفر و پاداش مبتنی است. رنج‌ها و دردها گاه جنبه کیفری دارد -که سخن از آن گذشت- و گاه جنبه پاداشی دارد. در این صورت (قسم دوم)، ابتلائات گوناگونی که انسان در این دنیا بدان دچار می‌شود، به شرط برخورداری از ایمان و صبر، از پاداش و رحمت خداوند بهره‌مند خواهد شد (بقره: ۱۵۷-۱۵۵). بیماری از بارزترین ابتلائات خداوند است. لذا، بی‌شک از دیگر حکمت‌های بیماری، پاداش الهی به بیمار در ازای تحمل درد و رنج ناشی از بیماری است.

روایات این موضوع متنوع هستند؛ در برخی روایات، از عدم استحقاق پاداش به بیمار و در مقابل، در پاره‌ای دیگر، از تعلق پاداش به بیمار سخن رفته است. در برخی نیز تنها به آمرزش گناهان و در بعضی دیگر، تنها به ارتقای منزلت بیمار اشاره شده است. برخی روایات نیز جامع آثار پیش‌گفته هستند. بنابراین، با بررسی مجموع روایات می‌توان آن‌ها را در این ۵ قسم، دسته‌بندی کرد: ۱. روایات عدم استحقاق پاداش به بیمار، ۲. روایات آمرزش گناهان بیمار، ۳. روایات ارتقای منزلت بیمار، ۴. روایات بهره مندی بیمار از پاداش، و ۵. روایات جامع.

روایات عدم استحقاق پاداش به بیمار

در برخی روایات از عدم تعلق پاداش به بیمار سخن گفته شده است. طبق مفاد این روایات، بیماری صرفاً موجب پیراستگی بیمار از گناهان می‌شود. از پیامبر (ص) نقل شده است: «مؤمن در بیماری‌اش پاداش داده نمی‌شود، اما گناهان او پوشانده می‌شود» (۱۲). امام علی (ع) به یکی از یاران خویش که به بیماری‌ای گرفتار شده بود، فرمود: «خداوند، آن درد و رنجی را که داشته‌ای، مایه ریختن گناهانت قرار دهد؛ چراکه در بیماری، پاداشی نیست؛ اما گناهان را فرومی‌کاهد و چنانکه برگ از درخت می‌ریزد، از انسان فرومی‌ریزد. پاداش، تنها در گفتن به زبان و عمل کردن به دست و پای است و خداوند سبحان، هریک از بندگان خویش را که بخواهد، به راستیِ نیّت و به نهادِ درست، به بهشت درمی‌آورد» (۱۲).

سید رضی در تبیین کلام امام علی (ع) نوشته است: اموری چون بیماری‌ها و دردها، فعل خداوند با بنده خویش است که تنها سزاوار عوض -و نه پاداش- هستند. اجر و پاداش در ازای فعل بنده است و میان آن دو تفاوت وجود دارد (۲۲). سید رضی، برای تبیین روایت، از دو اصطلاح «عوض» و «اجر» بهره گرفته است. او بیماری را فعل خداوند نسبت به بنده می‌داند که این فعل الهی در عوض گناهان بنده و برای آمرزش آن‌ها است و چون گناهان را زدوده است، درخور اجر و پاداش نخواهد بود. اجر و پاداش زمانی خواهد بود که بنده افعالی چون نماز، روزه و انفاق به‌جای آورد. تحلیل سید رضی دقیق نیست؛ زیرا سخن امام علی (ع) برای همه افراد نیست و خطاب به شخص خاصی (قضیه حقیقیه) است و عمومیت ندارد و همه افراد و حالات را دربر نمی‌گیرد. در اصطلاح، قضیه حقیقیه نیست. مؤید این ادعا روایاتی هستند که از تعلق پاداش به سبب بیماری سخن می‌گویند که در ادامه، گزارش خواهند شد.

روایات آمرزش گناهان بیمار

در این روایات، تنها به نقش بیماری در آمرزش گناهان اشاره شده و در آن‌ها، سخنی از پاداش به میان نیامده است. برای نمونه، از پیامبر(ص) نقل شده است: «بیماری، گناهان را محو می کند» (۱۲). در حدیثی دیگر، آن حضرت فرموده‌اند: «لحظه‌های درد، آثار لحظه‌های گناه را

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

از میان می برد» (۱۲). روشن است که این روایات درصدد نفی پاداش به بیمار نیستند و تنها به یکی از حکمت‌های بیماری پرداخته‌اند.

روایات ارتقای منزلت بیمار

دسته سوم روایات بیانگر آن هستند که بیماری، مرتبه و جایگاه بیمار را نزد خداوند متعال بالا می برد. پیامبر(ص) می‌فرماید: «انسان گاه دارای مرتبه ای در پیشگاه خداوند است که با عمل خویش بدان نمی رسد تا آن هنگام که به ابتلایی در جسم خود، آزموده شود و بدین‌واسطه، بدان مرتبت برسد» (۱۲).

در این روایت، از آمرزش گناهان یا اعطای پاداش سخن به میان نیامده، اما به صعود منزلت بیمار اشاره شده است. روشن است لازمه چنین موهبتی، برخورداری از پاداش است. به عبارت دیگر، همین جایگاه والاتر پاداش الهی است.

روایات بهره مندی بیمار از پاداش

دسته چهارم، احادیثی هستند که به وجود پاداشی بزرگ برای بیماری تصریح می‌کنند. پیامبر(ص) فرموده‌اند: «از مؤمن و اینکه از بیماری بی‌تابی کند، در شگفتم. اگر او می‌دانست که در بیماری چه پاداشی دارد، دوست داشت پیوسته بیمار باشد تا آن هنگام که به لقای پروردگار خویش نائل آید» (۱۲). در روایت دیگری آمده است: «بیداری یک شب به علت بیماری یا درد، برتر و پُرپاداش تر از عبادت یک سال است» (۱۲).

در برخی احادیث این دسته آمده است که در نامه عمل بیمار، پاداشی معادل انجام دادن اعمالی نوشته می‌شود که به سبب بیماری، توفیق انجام دادن آن‌ها را نیافته است. از رسول خدا (ص) نقل است: «هرکس بیمار شود یا به سفر برود، اعمالی که در اثر سفر یا بیماری ترک می شود، پاداشی همانند آن خواهد داشت که در دوران تندرستی و زمان اقامت در وطن، انجام داده است» (۱۲). در روایت دیگری از پیامبر (ص) وارد شده است: «هیچ مسلمانی نیست که به گرفتاری جسمی مبتلا شود، مگر آنکه خداوند، به فرشتگان خویش می فرماید برای او پاداش بهترین کارهایی را بنویسید که در دوران تندرستی انجام می داده است» (۱۲).

روایات جامع

منظور از روایات جامع، احادیثی هستند که مشتمل بر مضمون چهار دسته پیشین هستند. از امام حسین (ع) نقل شده است که امیرمؤمنان (ع) از سلمان فارسی عیادت کرد و فرمود: «ای سلمان، به‌واسطه شکیبایی بر بیماری، نالیدن به درگاه خداوند و دعا در پیشگاه او برایتان پاداش است و برای این اعمال است که برای شما حسنه نوشته و مرتبه شما فراتر برده می‌شود؛ اما درد، فقط موجب پاک شدن گناه و کفاره است» (۱۲).

بیماری، عمل نیست تا بدان پاداش تعلق گیرد. وقتی مؤمنی در برابر درد و بیماری شکیبایی ورزد و در پیشگاه خداوند، دعا و زاری کند، این شکیبایی و دعا، عملی است که پاداش خواهد داشت و به‌واسطه آن، به مرتبه فرد در پیشگاه خداوند افزوده می‌شود و برای او پاداش نوشته خواهد شد. روایات وارده در این مبحث، با وجود اختلافات ظاهری، با یکدیگر تعارضی ندارند. روایاتی که از عدم پاداش برای بیماری سخن می‌گویند، به نفْس بیماری –و نه به عمل و نیّت بیمار– نظر دارند. روایاتی که به ثواب بیمار و ارتقای مرتبت او تصریح می کنند، به شکیبایی و مقاومت و نیت او ناظر هستند. از این رو، اگر بیمار در دوران تندرستی عملی را به‌جای می‌آورده است، در دوران بیماری پاداش آن نوشته می شود. بیماری که صبر نیز پیشه می کند، افزون بر این پاداش، پاداش شکیبایی خویش را هم می‌گیرد (۱۲).

تنوع آثار بیماری در روایات به این معنا نیست که تمامی آن‌ها برای هر فرد بیماری مترتب می‌شود، بلکه این آثار به درجه ایمان فرد مؤمن، تعامل روحی او با بیماری و میزان صبر و رضایت او در انجام وظایف ظاهری بستگی دارد. همان‌طور که پیامبر(ص) فرمودند: «اگر دو چشم بنده‌ای را بگیرم و بر آن صبر کند و خدا را حمد نماید، حق است که آتش جهنم را نبیند» (۲۳). در روایت دیگری آمده است:

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

«بهشت و نظر بر وجه الله، جزای او خواهد بود» (۲۴). به نظر می رسد این دو تعبیر مختلف، به عیار انگیزه فرد و نوع تعامل قلبی او با بیماری بستگی دارد (۶).

بحث

مکاتب فکری و اعتقادی بر اساس آموزه‌ها و مرام‌نامه‌های خود تحلیل‌های متفاوتی از حوادث و رخدادهای عالم دارند. در مکاتب مادی و غیر الهی، همه اتفاقات ریشه در دنیای مادی و عالم طبیعت دارد و هر گونه پیوند آن با عالم معنا و امور غیبی نفی می‌شود، چنان‌که حتی اصل خداباوری ناشی از جهل و ترس انسان‌ها دانسته و به تبع آن علل طبیعی را خاستگاه همه حوادث می‌پندارند، اما در مکاتب آسمانی و به طور ویژه در اسلام و مکتب اهل بیتِ پیامبر(ص) همه امور عالم بر اساس نظام توحیدی تنظیم شده است و هر پدیده‌ای مستقیم و غیر مستقیم در پیوند با اراده الهی است. بر این اساس بیماری از جمله پدیده‌هایی است که در عین ارتباط با علل طبیعی و مادی با علل فراطبیعی و معنوی مرتبط است و طبق آموزهای اهل بیت(ع) برای آن‌ها حکمت‌های متعددی وجود دارد و در این تحقیق، تعدادی از آن‌ها بر پایه روایت اهل بیت(ع) تبیین گردیده‌اند.

نتیجه‌گیری

خداوند متعال، عالم آفرینش را بر اساس لطف، رحمت و نظم حکیمانه استوار ساخته است. از این رو، در این نظام هیچ‌گونه شرّ مطلقی وجود ندارد. حتی شیطان -که شرورترین مخلوق تلقی می‌شود- سراسر شرّ نیست و عامل رشد و تعالی انسان‌ها است. بیماری نیز ازجمله شروری است که اگرچه به‌ظاهر ناخوشایند و ناگوار به نظر می‌آید، برای آن فواید فراوانی مترتب است. در این پژوهش، با مطالعه روایات اهل بیت (ع) روشن شد که بر اساس نظام معرفت دینی، فایده‌ها و حکمت‌های فراوانی برای بیماری وجود دارد. محورهای این حکمت‌ها عبارت بودند از: ۱. بازداشتگاه تن، ۲. تأدیب، ۳. نزدیکی به خدا، ۴. کیفر، ۵. عامل مرگ، ۶. آمرزش گناهان، ۷. یاد خدا، ۸. پاداش.

مطابق با این حکمت‌ها، اول، رنجوری و درماندگی بیمار، سبب پالایش نفس او می‌شود؛ دوم، در مراحل عالی ایمان، بیماری موجب نزدیکی بنده به خداوند می‌شود؛ سوم، نظام دقیق الهی بر کیفر و پاداش مبتنی است. از دیگر حکمت‌های بیماری، کیفر تبهکاران و پاداش به مؤمنان است؛ چهارم، گاهی بیماری سبب‌ساز مرگ است. این حکمت بیماری، همسو با قوانین و سنت‌های الهی حاکم بر عالم ماده است؛ پنجم، بیماری آمرزش الهی را دربردارد. امام سجاد (ع) در نیایش خود، خداوند را به وساطت بیماری‌ای که آمرزش الهی را دربردارد، ستایش می‌کند؛ ششم، بیماری سبب توجه قلبی بنده گناهکار به خداوند است و این امکان را فراهم می‌کند که ایمان از زبان به درون قلب وارد شود.

پیشنهادات

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهاد می‌شود که نقش حکمت‌های بیماری در فرایند درمان و بهبود حال بیماران بررسی شود.

حمایت مالی

این پژوهش بدون هیچ‌گونه حمایت مالی انجام شده است.

ملاحظات اخلاقی

نویسندگان اعلام می‌دارند که در این پژوهش، به دلیل استفاده از متون، موردی مرتبط با ملاحظات اخلاقی وجود نداشته است و تمام منابع در مقاله مستند شده‌اند.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تضاد منافعی در این تحقیق وجود ندارد.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر قسمتی از نتایج استخراج‌شده از پایان‌نامه تخصصی مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، با عنوان «بررسی نظام سلامت از منظر روایات با تکیه بر کتاب دانشنامه احادیث پزشکی» است. نویسندگان

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]

بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه شاهد، معاونت پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد، داوران مقاله و تمام افرادی که در تدوین و اصلاح مقاله همکاری داشتند، تشکر و قدردانی کنند.

References

1. Ahmadi Abhari SA. The Role of faith and religious beliefs in healing physical and emotional disorders. Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology. 1996; 2(4) (Persian).
2. Farnam A, Kia S, Khalili E. Analysis of the spiritual, psychological, physical and social impacts and consequences of sin on the health of the body and the spirit from the perspective of the Qur'an and Narrations. Qurʾān va ṭib (Quran and Medicine). 2019; 4(2):101-9 (Persian).
3. Jafartayyari M. Sin, disease, and their educational consequences from Quran and Hadith viewpoint. Educational Doctrines in Quran and Hadith. 2016; 1(2):113-31 (Persian).
4. Mohsenzadeh Ledari F, Hoseini Tabaghdehi M. Effect of Quran on the treatment of diseases: Literature review. Islam And Health Journal. 2016; 3(1):22-8 (Persian).
5. Yektaei M. Sickness philosophy outlook regarding sickness enjoyment obtained from Sahife Sajadieh. Daneshvar Medicine. 2011; 19(1):35-42 (Persian).
6. Hamadani M. Monotheistic approach of the prophet Mohammad to illness. Journal of Religion and Health. 2019; 6(2):62-72 (Persian).
7. Khaki G. Research method with thesis writing approach. Tehran: Baztap Publications; 2018.
8. Hafez Nia M. An introduction to research methods in the humanities. Tehran: Semit; 2009.
9. Mahmoudi R. Introduction to research methodology. Tehran: Bal Publications; 2017.
10. Naderi A. Research methods and how to evaluate them in humanities. Tehran: Arsbaran Publications; 2018.
11. Bazargan A, Sarmad Z, Hijazi E. Research methods in behavioral sciences. Tehran: Aghah Publications; 1997.
12. Mohammadi Riheshahri M. Daneshname Ahadith Pezeshki, Translated by: Hossein Saberi, Qom: Dar Al-Hadith Scientific and Cultural Institute; 2006.
13. Ali Ibn Hussein. Sahifa Sajjadieh. Tehran: Payam-e-Adalat Publications; 2013.
14. Mehri H. Prison and its effects on prisoners and criminals. Annual Conference on Legal and Food Research; 2016.
15. Alizadeh B, Maleki Marasht A. Role of affliction of hardship in man's spiritual sublimation with special reference to Imam Khomeini's Viewpoints) in exposition of forty traditions and exposition of tradition of armies of reason and ignorance). Pajouheshnameh Matin. 2012; 13(53):117-39 (Persian).
16. Ibn Fahd Helli A. Uddat al-Da'i wa Najah al-Sa'i, Qom: Dar al-Kitab al-Islami, First edition;1982.
17. Shafiei H, Motia M, Samadanian M, Sotoudehnia MR. Disease and its role in self-education from the perspective of the Holy Qur'an and Hadiths: a case study of new Cornea Disease. Comparative Theology. 2021; 12(25): 143-58.
18. Ibn Shuba H. Tuhaf Aleuqul. Qom: Jamieuh Mudarisin;1983.
19. Ibn Tayfur A. Belaghat al-Nesa. Qom: Al-Sharif Al-Radhi, No Date; 27.
20. Majlesi MB. Bihar al-Anwar. 2ed ed. Beirut: Dar Al-Ehya Al-torath Al-Arabi; 1982.
21. Ibn Babawiyyah M. Ma'ani al-Akhbar. Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom;1982.
22. Sayyid Razi M. Nahj al-Balaghah, researcher: Subhi Saleh. Qom: Hijrat; 1993.
23. Tabarani S. Al-Mujam Al-Saghir. Beirut: Dar al-Fikr; 2009.
24. Hemyairi A. Qorbol-Isnad. Qom: Muasasat Al-Bayt; 1992.

[Downloaded from jrh.mazums.ac.ir on 2026-11-17]